

جان اسکیلز ایوری

— خاطرات —

تهران و بیروت

خاطرات دانشمند آمریکایی از ایران
پیش از دو جنگ جهانی

ترجمه سیده محی‌الحسنی نصر / حسن فتاحی



بنگاه ترجمه و نشر
کتاب پارسه

سرشناسه: ایوری، جان ۱۹۳۳ - م. Avery John, 1933
 عنوان و نام پدیدآور: خاطرات تهران و بیروت / «خاطرات اقامت پروفیسور جان اسکیلز ایوری در تهران و بیروت» / جان اسکیلز ایوری / ترجمه سیده ضحی حسینی نصر، حسن فتاحی
 مشخصات نشر: تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه ۱۳۹۸
 مشخصات ظاهری: ۱۷۶ ص
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۵۳-۵۸۲-۵
 وضعیت فهرست نویسی: فیپا
 یادداشت: عنوان اصلی: Memories of Beirut and Tehran
 عنوان دیگر: خاطرات اقامت پروفیسور جان اسکیلز ایوری در تهران و بیروت
 موضوع: ایوری، جان، ۱۹۳۳ - م. سفرها -- خاطرات / سفرها -- خاطرات / تهران
 -- سیر و سیاحت / بیروت (لبنان) -- سیر و سیاحت
 رده بندی کنگره: DSR ۱۴۸۱
 رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۳۲۰۴۲
 شابک: ۶۱۲۳۹۹۴ ملی



■ خاطرات تهران و بیروت

جان اسکیلز ایوری ترجمه سیده ضحی حسینی نصر، حسن فتاحی
 آماده سازی و تولید: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه
 طراحی گرافیک: پرویز بیانی
 نوبت و شمارگان: چاپ اول ۱۳۹۹، ۱۱۰۰ نسخه

همه حقوق چاپ و نشر برای بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه محفوظ است.
 هرگونه اقتباس از این اثر، منوط به دریافت اجازه کتبی از ناشر است.

بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه

دفتر مرکزی: تهران، خیابان انقلاب، خیابان فخررازی، خیابان شهدای ژاندارمری شرقی، پلاک ۷۴،

طبقه سوم، تلفن، ۶۶۴۷۷۴۰۵

www.parsehbook.com / info@parsehbook.com

@ketabeparseh

فروشگاه: تهران، خیابان ولیعصر، روبروی دوراهی یوسف آباد، پلاک ۱۹۴۱

تلفن: ۸۸۹۱۸۹۴

فهرست

۱۱	مقدمه (دکتر محمدحسین یاپلاردی)
۱۷	مقدمه مترجمان
۲۳	یادداشت نویسنده برای ترجمه فارسی
۲۹	فصل اول: دانشگاه میشیگان
۳۷	فصل دوم: به سوی بیروت
۴۷	فصل سوم: عبور از بیابان
۶۱	فصل چهارم: درختان انجیر و لک لک
۸۵	فصل پنجم: رئیس دانشکده پزشکی
۱۰۳	فصل ششم: تهران
۱۳۷	فصل هفتم: مدرسه کامیونیتی
۱۵۵	فصل هشتم: مسافرت ها
۱۷۵	فصل نهم: بعدها

مقدمه

کتاب «خاطرات تهران» در روت پیره فسور جان اسکیلز ایوری یکی از ماندگارترین خاطرات درباره خاورمیانه خواننده است. این کتاب خاطرات سه نسل را نشان می‌دهد. جان اسکیلز ایوری خاطرات پدربزرگ^۱ و به خصوص پدر، مادرش و خودش بیان می‌کند. بخشی از خاطرات نوشته های مرحوم پدرش دکتر بنت فرانکلین ایوری، مشاور وزارت بهداری ایران، مادر در هیخته‌اش است. ارتباط دکتر بنت فرانکلین ایوری پدر نویسنده کتاب، مسافرتی به ایران در

۱. در کتاب نوشته‌ای از پدربزرگ پدری نویسنده به چشم نمی‌خورد؛ اما در واقع بنا به آنچه نویسنده در صفحه اول فصل اول اشاره کرده، پدربزرگش از طرف پدری پزشک بوده است. نکته ظریفی که آقای دکتر پاپلی به آن دقت کرده‌اند این است که پدربزرگ نویسنده از طرف پدری فردی صاحب ارتباط با افراد رده بالا بوده که پسرش هم بعد از اتمام تحصیلات در دانشگاه میشیگان به عنوان استاد به دانشگاه آمریکایی بیروت اعزام می‌شود. در حقیقت انتخاب پدر نویسنده به عنوان استاد دانشگاه آمریکایی بیروت نشان از پیشینه خانوادگی مورد تأیید و دارای صلاحیت است؛ زیرا در انتخاب افراد برای تدریس در دانشگاه آمریکایی بیروت دقت زیادی صورت می‌گرفت و هر کسی را برای این کار انتخاب نمی‌کردند. به همین دلیل است که آقای دکتر پاپلی با فراست به پدربزرگ پدری نویسنده اشاره کرده‌اند. - م.

سال ۱۳۰۶ شروع می‌شود. رضاشاه تعدادی ماشین آمریکایی بیوک مدل ۱۹۲۷ [برابر با ۱۳۰۶ ه.ش] و کادیلاک مدل ۱۹۲۶ [برابر با ۱۳۰۵ ه.ش] از آمریکا خریداری کرده بود. قاجارها ماشین رویزرویس انگلیسی داشتند. در تابستان ۱۹۲۷ ماشین‌ها را در بندر بیروت از کشتی پیاده کردند. ماشین‌ها را باید از بیروت از راه خشکی (لبنان - سوریه - عراق) به ایران می‌آوردند. جاده‌های بیابانی بین بیروت و رز ایران بسی خشک، بدون جاده شوسه، بدون ایستگاه پمپ‌بنزین و بدون ایستگاه‌های آب و غذا بود. معلوم می‌شود که در آن عصر هنوز بنادر ایران، حتی بندر بوشهر را ابدان امکان پیاده کردن ماشین‌ها را از کشتی نداشتند. آیا رضاشاه ماشین‌ها را از آنجا خرید بود و نه از انگلیس؟ به علاوه در آن سال‌ها در ایران راننده حرفه‌ای که از آب و به بیروت بیاید و ماشین‌ها را برود یا نبود یا کم بود یا مخارجش بالا بود. برای بردن ماشین از بیروت به ایران تصمیم گرفتند که از دانشجویان دانشگاه آمریکا کار بیرون استاده کنند. خود این امر صرفه‌جویی را در اقتصاد ایران آن زمان نشان می‌دهد. تابستان بود و دانشجویان بیکار. دکتر بنت فرانکلین ایوری، پدر نویسنده این خاطرات، یکی از داوطلبین این کار سخت بود. این امر بیانگر آن است که در اوایل قرن ۲۰ ه.جری، اوایل سلطنت پهلوی‌ها، بیروت نقش یک بندر را برای ایران بازی می‌کرد. پدر اسکیلز جان اسکیلز ایوری شرحی از گذر سخت از بیابان‌های سوریه و عراق و کوه‌ها را اگر به زبان می‌کند. او همه جا تکیه کلامش مهمان‌نوازی ایرانیان است. مسافرت پدر جان اسکیلز به ایران حداقل ۷ سال قبل از تولد او انجام شد؛ اما این مسافرت مادر جان اسکیلز و خاطرات تلخ و شیرین آن حتماً بارها و بارها در خانواده تکرار شده است چون اسکیلز همیشه این خاطرات را به یاد داشته و دارد و حتی در ۸۵ سالگی آن را از قول پدر می‌نویسد. در این خاطرات جان اسکیلز ایوری نقش دانشگاه آمریکایی بیروت (AUB) را در نخبه‌پروری خاورمیانه نشان می‌دهد. اصولاً بیروت روزگاری

سرآمد شهرهای خاورمیانه بود. مدارس و دانشگاه‌های بیروت نخبه‌های بسیاری را برای بسیاری از کشورهای خاورمیانه تربیت کردند. لبنان تحت‌الحمایه فرانسه با مدارس و دانشگاه‌های فرانسوی‌زبان یکی از دلایل گسترش زبان فرانسه در ایران و خاورمیانه بود. ایران هم از مدارس و دانشگاه‌های بیروت سهمی داشت. امیرعباس هویدا نخست‌وزیر را می‌توان از بین تحصیلکرده‌های بیروتی نام برد. نخبگان پرورش‌یافته در بیروت شبکه‌ای را تشکیل می‌دادند که در خاورمیانه نقش گذر از سنت به مدرنیته را بازی می‌کردند. پدر نویسنده این خاطرات یعنی دکتر بخت فرانکلین ایوری نیز از این نخبه‌های پرورش‌یافته در دانشگاه آمریکایی بیروت، است.

این خاطرات به نحوی پیوند لبنان و بیروت را با ایران و تهران نشان می‌دهد. نویسنده کتاب در سن ۱۲-۱۳ سالگی و پس از پایان جنگ جهانی دوم برای زندگی با پدر همراه سادش باز هم از راه لبنان، سوریه، عراق به ایران می‌آید. به علت جنگ، دو سالی بود که پدرش را ندیده بود. اولین دیدار با پدرش در ایران در همدان اتفاق می‌افتد.

در زمان اشغال ایران پدر نویسنده، ریاست وزارت بهداشتی در ایران بود. بعد از خروج متفقین از ایران تا سال ۱۹۵۰ دکتر بخت فرانکلین ایوری (پدر نویسنده) مشاور وزارت بهداشت بود. بنت دانشجوی جوان راننده، به علت پزشک و بنت مشاور وزیر بهداشتی شرحی از اوضاع ایران بین دو جنگ جهانی به خصوص در اوایل سلطنت رضاشاهی را از دیدگاه بهداشت و امور پزشکی می‌دهد. وجود آبلوله‌کشی، کمبود یا نبود بهداشت عمومی، گسترده‌گی بیماری‌های تب‌فوس، مالاریا، بیماری‌های مقاربتی و انگلی روزگار ملت، دولت و مملکت را سیاه کرده بود. دکتر ایوری پدر می‌نویسد چگونه به دلیل گسترده‌گی بیماری مالاریا در بسیاری از نقاط ایران از جمله فارس و مازندران، کشاورزان نمی‌توانستند محصولات خود را برداشت کنند.

وزارت بهداشتی باید با این بیماری‌ها مقابله می‌کرد. مملکت، پول و اعتبار کافی و متخصص کافی نداشت. ایوری پدر می‌نویسد که در اولین برنامه هفت‌ساله ایران در بخش بهداشت پیش‌بینی می‌شد که هفده هزار میلیون ریال پول لازم است ولی کل اعتبار قابل پیش‌بینی هزار و پانصد میلیون ریال یعنی چیزی حدود ۸/۸ درصد بود. خاطرات پرفسور جان اسکیلز ایوری ابعادی از گستردگی عقب‌ماندگی ایران در دهه اول ۱۳۰۰ و مشکلات پیش‌آمده بعد از اشغال ایران و تبعید رضاشاه را نشان می‌دهد.

هنگامی که رهمه ابعاد است. یکی از آن‌ها نبود آب‌لوله‌کشی در شهرهاست. بارها در گزارش پدر ما مربوط به تهران ماقبل ۱۳۰۰ مشکلات حمل آب توسط گاری اسبی و دشت اسبی اما هیچ گزارشی دقیقاً ننوشته است وقتی گاری اسبی آب را در سطرها ریخته کنار خیابان می‌ریختند و بعد سطرها را روی هم می‌گذاشتند و بدین ترتیب آله می‌ای کف خیابان را به سطرها زیرین منتقل می‌کردند؛ اما خاطرات خود جان اسکیلز ایوری ۱۵-۱۳ ساله در تهران جالب است. خاطرات پسری از طبقه مدیران خارجی سطح بالای کشور که با خانواده، وزرا، سفرا و اعیان کشور نشست و برخاسته است. در بهترین خانه‌های اعیانی قصرگونه تهران با ۱۹-۱۸ اتاق ساکن بوده است. در مهمانی‌های اشرافی پرطمطراق شرکت می‌کرده است و در بهترین مدرسه آن زمان همراه پسران و دختران اشراف درس می‌خوانده است. تمام دروس‌اش به زبان انگلیسی بوده است. او در (مدرسه کامیونیتی تهران) که بسیاری از دانش‌آموزان به زبان انگلیسی مسلط بوده‌اند، تحصیل می‌کرده است. مدرسه‌ای که پسران سفرا و وزرا از ملیت‌ها و ادیان مختلف در آن تحصیل می‌کرده‌اند. نویسنده می‌نویسد که دانش‌آموزان از ۲۸ ملیت و ۸ دین بودند؛ یعنی در آن مدرسه دانش‌آموزان حداقل به ۲۵ زبان حرف

۱. مدرسه کامیونیتی بعد از انقلاب به دبیرستان شهید مدرس تغییر نام داد. این مدرسه در خیابان زرین خامه، نرسیده به میدان شهدای تهران واقع شده است. -م.

می‌زدند. چه نخبه‌هایی با چه گستردگی ارتباطات اجتماعی شکل گرفته است. کتاب می‌تواند گوشه‌های کم‌نوشته و ناگفته سیاست رضاشاهی در مقابل آلمان هیتلری را نشان دهد. وقتی نویسنده می‌نویسد پناهجویان آلمان هیتلری در تهران بودند. کاش نویسنده بیشتر اوضاع را شرح می‌داد. می‌توانستیم گوشه‌های بی‌نظیری از وضعیت ایران بعد از جنگ جهانی دوم را در دست داشته باشیم. در هر صورت کتاب با همین شرایط هم خواندنی است و هم سندی است برای روند سنت مدرن‌تره در ایران و شکل‌گیری زیرساخت‌ها به خصوص در زمینه بهداشت و ... و ورزش‌نخبگان. فارغ‌التحصیلان مدرسه کامیونیتی بر علم و سیاست جهان تأثیر داشتند. همان‌طور که معلمان و مدرسان دانشگاه آمریکایی بیروت در نوشتن قوانین سازمان ملل تأثیر داشتند. نویسنده می‌نویسد در کنفرانس‌های اولیه قوانین حقوق بشر سازمان ملل دانشگاه آمریکایی بیروت تا ۴۸ نفر کارشناس اعزام می‌کرد. نویسنده کتاب، راجع به فقر بی‌حد و حصر ایران و تهران را در سال‌های بعد از جنگ جهانی دوم بر ملا می‌گذارد؛ اما او چون خود از طبقه مرفه است و در رفاه زندگی می‌کند بیشتر به خاطرات بقاء خود می‌پردازد. از جلسات رقص - موسیقی - اردوهای تفریحی در پارک‌های طبیعی و حفاظت‌شده سلطنتی شمال تهران می‌گوید. این خاطرات سندی است بر روند گذر از سنت به مدرنیته در ایران و در ابعاد سیاسی - اداری و ایجاد زیرساخت‌ها و زیرساخت‌های نخبه و البته زندگی در خارج از محدوده زندگی مردم عادی و فقیر.

من مشتاق و شیفته کتاب شدم. آرزو کردم کاش پرفسور - دکتر سید جزیبوری خاطرات جوانی خودش در تهران و بیروت را مفصل‌تر شرح می‌داد. اگر این استاد برجسته دانشگاه کینهاگ فرصت کند و بخش‌هایی از کتاب را به‌طور تفصیلی شرح و بسط دهد کمک شایانی به فهم و درک مسائل مختلف عصر پس از جنگ دوم جهانی در ایران به خصوص تهران خواهد بود.

نویسنده راجع به پناهجویان اروپایی (لهستانی، ایتالیایی، چکسلواکی، یهودیان و ...) که هم عصر هیتلر بوده، نکات مهمی را نوشته است. و جای تفسیر بسیار در

مورد سیاست رضاشاهی و آلمان دارد. اگر آخرین جمله خاطرات پروفیسور جان اسکیلز را مدنظر قرار دهیم دیدگاه طبقاتی او روشن می‌شود.
او می‌نویسد:

زمانی که من و خانواده‌ام در خاورمیانه زندگی می‌کردیم، مهمان‌نوازی و مهربانی بی‌نظیری را تجربه کردیم و خاطرات شگفت‌انگیزی را از آن زمان با خود به یاد داریم. من و گوردون با تحسین دستاوردهای زیبای فرهنگی منطقه خاورمیانه، به همراه صفات بسیار دلنشین و بخشندگی مردم آنجا رشد کردیم. امروزه خاورمیانه به مرکز شادی اندک تبدیل شده است؛ اما من خواستم آن را همان‌گونه توصیف کنم که آن زمان در آنجا تجربه کردم.

مهمان‌نوازی ایرانیان مورد تأیید همه نویسندگان در طول تاریخ بوده است. درست است که امروزه خاورمیانه بر اثر جنگ‌های ویرانگر و تخریب‌ها و کشتارها و دخالت‌های گسترده غریبی‌ها رقیبت‌های داخلی دچار گرفتاری است. ولی آیا در عصری که پدر نویسندگان جوان در صحرای بی‌جاده، بی‌آب، بی‌آبادی خاورمیانه حرکت می‌کرد و یا در ایرانی بیمار از مبتلا به مالاریا، تیفوس و... در فقر فاقه روبرو بود مردم شاد بودند. شاید سمبل‌ها شام، برای قشر مرفه و ثروتمند و نخبگان سیاسی و اداری و پسران وزرا و سفرا و کسانی که در جوامع فقیر در پله‌های اجتماعی ویژه زندگی می‌کنند وجود داشته و دارد این خاطرات اطلاعات گسترده‌ای را برای تحلیل وضعیت ایران و خاورمیانه آن روزها به دست می‌دهد؛ اما نباید جایگاه و دیدگاه طبقاتی نویسنده را فراموش کرد.

جای آن دارد که از پروفیسور جان اسکیلز ایوری و مترجمان بزرگوار این سفرنامه خانم سیده‌ضحی حسینی نصر و حسن فتاحی تشکر و قدردانی کنم و خواندن این خاطرات را به همه توصیه می‌کنم.

محمدحسین پاپلی یزدی